



خسروپناه دردهمین دوره گفتگوی ایران و واتیکان: تفسیر ظاهری از دین منجر به فهم متحجرانه شده است

خسروپناه، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، با تأکید بر این که مهمترین عامل افراطگرایی به حاشیه راندن عقلانیت است گفت: تفسیر ظاهری از دین منجر به فهم متحجرانه شده است.

خسروپناه، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، با تأکید بر این که مهمترین عامل افراطگرایی به حاشیه راندن عقلانیت است گفت: تفسیر ظاهری از دین منجر به فهم متحجرانه شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، عبدالحسین خسروپناه، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در سخنرانی خود دردهمین دوره گفتگوی ایران و واتیکان با ارائه مقاله «عوامل معرفتی خشونت دینی در جهان اسلام»، گفت: خشونت همیشه با بشریت همراه بوده است و جنایاتهای تاریخ بر این مطلب گواهی می‌دهند؛ هر چند که خشونت‌طلبان در دوره رشد عقلانیت بشر تلاش کردند تا به تبیین عقلانی افراطی‌گری و خشونت، دست زنند و خشونت‌طلبان دینی نیز در صدد توجیه دینی این رفتار غیرانسانی بودند و هستند.

وی در ادامه، به موضوع خشونت دینی پرداخت و افزود: خشونت دینی، معلول عوامل و مدلول دلایل مختلفی از جمله مهمترین عوامل معرفتی افراطی‌گری و خشونت دینی در جهان اسلام بی‌توجهی به مراتب ایمان، به حاشیه راندن عقلانیت، معنویت‌گریزی، تفسیر نادرست از مفهوم جهاد، فهم نادرست از مفهوم تکفیر و کار بست عقلانیت مدرن در نظامات اجتماعی است.

استاد مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، اظهار کرد: یکی از جریان‌های معاصر که علاوه بر رفتار خشونت‌آمیز به توجیه دینی افراطی‌گری و خشونت دست می‌زنند همانا جریان تکفیری سلفی‌گری در جهان اسلام است؛ هرچند که واژه سلف در گفتمان سنتی، یادآور صحابه، تابعان و محدثان بزرگ قرون اول و دوم است لیکن برخی از وهابی‌ها، این تعبیر را به معنای فرقه خاصی گرفته‌اند و با این ابزار به تکفیر مسلمانان و اهل قبله می‌پردازند.

خسروپناه ضمن تشریح موضوع و تاریخچه تکفیرگرایی گفت: تکفیرگرایی در دوره معاصر، با استفاده از پوشش سلفیت و اعمال رفتارهای افراطی‌گرایانه به یک پدیده سیاسی - امنیتی و تهدیدزا برای بسیاری از جوامع اسلامی و غیراسلامی بدل شده که بیشترین تأثیر منفی را بر سرمایه اجتماعی و اعتبار و منزلت جهان اسلام گذاشته است و البته شعار حکومت اسلامی با روش جهادی از سوی تکفیری‌ها هم باعث شد تا برخی برای نجات از خشونت دینی، دین سکولار را پیشنهاد دهند و دین را از نیازهای اجتماعی به حاشیه رانند و به یک معنا، موضوع یک نوع خشونت را برای سلب خشونت، نفی کردند؛ هرچند این طایفه گرفتار نوع دیگری از خشونت یعنی خشونت سکولار شدند و فاشیسم و نازیسم و خشونت مدرن را به وجود آوردند.

بی‌اعتنایی به عقلانیت؛ از عوامل خشونت دینی در جهان اسلام

این استاد حوزه و دانشگاه یکی از عوامل معرفتی خشونت دینی را بی‌توجهی یا انکار مراتب ایمان دانست و افزود: متأسفانه خشونت‌طلبان در جهان اسلام به گونه دیگری، ایمان را تعریف کردند و ایمان را از حقیقت قلبی به امور جوارحی منتقل کردند و مراتب ایمان دینی را هم نفی کردند تا بتوانند با چنین تعریفی، دست به خشونت بزنند.

وی از دیگر عوامل خشونت دینی در جهان اسلام را بی‌اعتنایی به عقلانیت و حاشیه راندن آن اعلام کرد و افزود: در حالی که با تأمل اندک در تعالیم اسلام به ویژه قرآن کریم و روایات پیشوایان دین، اهمیت و منزلت عقل نمایان می‌گردد و در اسلام، مبنای ایمان قرار گرفته است اما وقتی عقلانیت به حاشیه رانده شود و تفسیر ظاهرگرایانه از دین ارائه شود، فهم متحجرانه از دین ارائه خواهد شد و در این صورت، افراطی‌گری و خشونت دینی شکل خواهد گرفت و رفتارهای غیرعاطفی و جنایت‌آمیز ظهور می‌کند. به عبارت دیگر روش‌شناسی سلفی جهادی، ظاهرگرایی افراطی است که به ناچار به خشونت دینی تحت عنوان جهاد کشیده می‌شود.

فقدان معنوی منجر به جنایاتهای بشری توسط جریان‌های تکفیری شده است

تشریح موضوع «معنویت‌گریزی» بخش دیگر این مقاله بود که به تفصیل مورد اشاره قرار گرفت و تأکید شد: تمدن مدرن پس از تجربه جنگ‌های جهانی اول و دوم و رشد تکنولوژی و صنعت و گسترش آسایش و کاهش آرامش، به ضرورت معنویت در

جهان معاصر پی برد و جریان‌های تکفیری در جهان اسلام به جهت عقل‌گریزی و ظاهرگرایی از معنویت نیز از این مهم دوری گزیدند و باعث رفتارهای غیرانسانی شدند، در حالی که باید گوهر اسلام را معنویت و تعالی به سوی حق تعالی دانست و این در حالی است که رفتار تکفیری‌ها نشان می‌دهد این طایفه به هیچ‌گونه معنویتی اعتقاد ندارند و نماز و روزه آنها نیز شریعت ظاهری و فاقد طریقت و معنویت است و فقدان معنوی، باعث جنایت‌های بشری توسط جریان‌های تکفیری شده است.

این استاد حوزه و دانشگاه همچنین، فهم نادرست از مفهوم جهاد را از جمله عوامل معرفتی خشونت دینی در جهان اسلام دانست و گفت: بر خلاف تعابیر نادرست، جهاد، دفاع برای دفع تجاوز است و هنگامی که حقوق افراد یک جامعه یا یک ملت مانند آب، خاک، مال، ناموس، دولت، مکتب و ارزش‌هایی که مورد قبول جامعه اسلامی است از سوی دشمنان خارجی یا مخالفان داخلی مورد هجوم و تجاوز قرار گیرد، بر مسلمانان اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ واجب است با تمام توان و با هر وسیله ممکن به جهاد و مبارزه با متجاوز برخیزند و از حقوق شخصی، ملی و آیین خود و هم نوعان دفاع کنند.

وی در ادامه، مطرح کرد: اسلام دینی است فطری که از راه دلیل و برهان و بهره‌گیری از صفای باطن و فطرت پاک انسان‌ها، راه توسعه و نفوذ در دل انسان‌ها و ایجاد فضایی مناسب برای زندگی شرافتمندانه براساس ارزش‌های انسانی را برای همگان فراهم می‌سازد و با خون‌ریزی، ویرانی، نابسامانی و با هدف کشورگشایی و تجاوز به حقوق دیگران، سازش ندارد.

خسرو پناه در بخش پایانی سخنان خود، افزود: جهاد به معنایی که در اسلام گفته شده، یک ضرورت حیاتی و یک امر اصلاحی برای جامعه اسلامی است و با جنایت‌های جنگی و خشونت‌های غیرانسانی که از سوی تکفیری‌ها ظاهر می‌شود، تفاوت اساسی دارد و در نتیجه روشن شد که توجیه حرکت‌های افراطی تکفیری‌ها با عنوان حرکت‌های جهادی ناصحیح و نوعی مغالطه دین شناسانه است.